

## حمله های نظامی را متوقف کنید

دیپلماسی جهانی برای اعلام هرچه زودتر آتش  
بس فعال شود

ننگ و نفرت بر جنگ افروزان، جنایتکاران جنگی  
و مدافعین حمله های نظامی

سرنگون باد حکومت های جنگ طلب و دیکتاتور  
گسترده تر و مستحکمتر باد همبستگی اکثریت اهالی  
جامعه بمثابه قربانیان جنگ آمریکا - اسرائیل  
و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت  
حکومت جنایتکار اسلامی در ایران

- جنایت در برابر جنایت؛ چرا حمله متقابل به غیرنظامیان هرگز قانونی نیست؟

- یاداشتی از تهران: تنهایی در میانه سرکوب و جنگ

- فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران خواستار رفع محدودیتها برای دسترسی به اینترنت و آزادی  
روزنامه نگاران زندانی در ایران شد

- تداوم بازداشت و بی خبری از سرنوشت بهاره گلچین، نوجوان ۱۷ ساله در مشهد

\*\*\*\*\*

\*جنایت در برابر جنایت؛ چرا حمله متقابل به غیرنظامیان هرگز قانونی نیست؟

در حقوق بین الملل بشردوستانه، اصل بنیادین آن است که نقض قانون توسط یک طرف، مجوزی  
برای نقض متقابل توسط طرف دیگر ایجاد نمی کند. این قاعده به ویژه در مورد حمایت از غیرنظامیان

اهمیت دارد. حتی در شرایط شدیدترین مخاصمات، قواعد حمایتی نسبت به غیرنظامیان غیرقابل تعلیق باقی می‌مانند.

به گزارش کانال دادبان، بر اساس ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو، حمله به غیرنظامیان و اقدامات تلافی‌جویانه علیه آنان مطلقاً ممنوع است. این بدان معناست که طرف‌های درگیر در جنگ فعلی در ایران، اعم از آمریکا، اسرائیل یا جمهوری اسلامی، نمی‌تواند به بهانه حمله طرف مقابل به مناطق مسکونی، حمله مشابهی علیه غیرنظامیان انجام دهد. چنین استنادی از نظر حقوقی فاقد اعتبار است.

همچنین، ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو تصریح می‌کند که اموال غیرنظامی نباید هدف حمله قرار گیرند. حتی اگر یکی از طرفین، زیرساخت‌های غیرنظامی را هدف قرار داده باشد، طرف مقابل همچنان موظف است به این قاعده پایبند بماند. اصل تفکیک، یک تعهد متقابل نیست، بلکه یک تعهد مستقل و مطلق برای هر طرف است.

از منظر حقوق کیفری بین‌المللی، این قواعد در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بازتاب یافته‌اند. حمله عمدی به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی، حتی تحت عنوان «پاسخ متقابل» یا «تلافی»، می‌تواند مصداق جنایت جنگی باشد. بنابراین، استناد به رفتار غیرقانونی طرف مقابل، مانع از مسئولیت کیفری نخواهد شد.

در نهایت، هیچ‌یک از طرف‌های درگیر نمی‌توانند با استناد به نقض‌های طرف مقابل، قواعد بنیادین حقوق جنگ را نادیده بگیرند. حقوق بین‌الملل به‌صراحت چنین توجیهی را رد می‌کند و بر مسئولیت مستقل هر طرف در رعایت قانون تاکید دارد. در نتیجه، حملات متقابل به غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی، در هر صورت غیرقانونی و در بسیاری موارد جنایت جنگی محسوب می‌شود.

### **\*یادداشتی از تهران: تنهایی در میانه سرکوب و جنگ**

غزل - این روزها شکل دیگری از تنهایی و سرکوب را هم تجربه می‌کنم که بسیار دردناک‌تر، غمگین‌کننده‌تر و خسته‌کننده‌تر از مواجهه با سرکوبگران رژیم اسلامی و نگرانی‌های اطرافیانم است. یادم هست زمانی در مدرسه و دانشگاه و خیابان همه در کنار هم مقابل ارتجاع و استبداد به هرشکلی می‌ایستادیم. این روزها اما دوستانم، آشناهایم و نزدیکانم هم دیگر تاب تحمل شنیدن یا خواندن ندارند. فرق نمی‌کند در کدام گروه فکری باشند یا باید آنچه می‌خواهند بشنوند را بگویی یا خفه‌خون بگیری یا حمله‌های کلامی و فحش و تهدیدهایشان را تاب بیآوری. این هم میراث سال‌ها تنفس و زیستن در هوای استبداد و سانسور است؟

پنجشنبه/ ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ / تهران / غزل

امروز بعد از حدود ۲۰ روز برای اولین بار از محل خارج شدم. حس ترس و هیجان را همزمان تجربه می‌کردم. تهران شلوغ بود اما نه به شلوغی دم عید. هنگام رانندگی دائم به خودم می‌گفتم غزل مراقب باش آرام برو اگر تصادف کنی هیچ پلیسی نمی‌آید و اسیر خیابان می‌شوی. در را قفل کن آگه کسی مثل سری قبل بخواهد خفت‌ات کند دستت به جایی بند نیست. جی‌پی‌اس‌ها کار نمی‌کرد و به

عنوان نسلی که بیشتر عمرش همه جا را با waze اینور آنور رفته دائم دور خودم می‌چرخیدم و با هزار نشانه و پرسوجو عاقبت به مقصدم در آن سر تهران رسیدم. تمام سطح شهر بیلبوردهای عقیدتی بزرگ زده بودند و دیوارهای محله‌ها پر بود از دیوارنویسی‌های مرگ بر آمریکا و اسرائیل. رفت و برگشت از این سر به آن سر تهران با وجود اینکه ترافیک نبود جانم را گرفت.

به محله‌ی آشنا و دوست‌داشتنی خودم که برگشتم دیدم بساط وسایل شب عید پهن بود. دم مغازه‌های گل‌فروشی، سبزه و انواع وسایل هفت‌سین چیده بودند. پروتئینی‌ها بیرون مغازه ماهی تازه چیده بودن. شیرینی‌فروشی‌ها و میوه‌فروشی‌ها شلوغ بود. شلوغ که می‌گویم در نسبت با وضعیت جنگی می‌گویم. اگر بخواهم با دم عید سال‌های گذشته مقایسه کنم باید بگویم پرنده پر نمی‌زد از پس خلوت بود.

سیر و سبزه می‌خواستم برای سفره‌ی هفت‌سین. به مغازه‌ها و بساطی‌ها که رسیدم ناگهان اشک در چشم‌هایم جمع شد. یاد انفجار چند روز پیش در زرافشان تهران افتادم و آن ساختمان تجاری که با خاک یکسان شد. آنجا درست مثل همین‌جایی که من ایستاده بودم مغازه خشکشویی، بانک، گل‌فروشی، نانواپی، املاکی، سوپرمارکت و غیره بود و درست مثل همین امروز و همین لحظه مردم درحال خرید بودند و لحظه‌ای بعد شب عیدی مردند! همین‌قدر پوچ و بی‌معنا و بی‌دلیل!

خریدم را کردم و ایستادم کمی به مردم نگاه کنم انگار که بدو بدو فقط می‌خواستند خریدشان را بکنند و به خانه پناه ببرند. ناگهان پدافندها فعال شدند و سراسیمگی‌ها به کمی هم عصبیت و خشم تبدیل شد. مادری سر دخترش داد زد که: «مگه نگفتم زودباش، این سبزه با اون سبزه چه فرقی داره، دارن می‌زنن. خطرناکه!» رهگذری دیگر کلافه و مستاصل از من پرسید: «این الان صدای چیه؟ ما داریم می‌زنیم یا اونا؟» آن یکی به رفیق‌اش می‌گفت: «از پایین نرو، ایست هست خطرناکه.» چند دقیقه‌ای به دیوار تکیه دادم و به حرف‌های مردم و شلیک و انفجار پدافندها خیره شدم.

چندسال پیش فیلمی می‌دیدم که ماجرایش در سوریه و دوران جنگ می‌گذشت در یکی از سکانس‌ها جوان‌ها در خانه‌ای مهمانی گرفته بودند و دو نفرشان به بالکن می‌روند سیگار بکشند. دارند در مورد جنگ صحبت می‌کنند و ویوی روبه‌روی بالکن شلیک و انفجار پدافندها را نشان می‌داد. آن زمان نمی‌دانستم پدافند چیه و فکر می‌کردم موشک‌های دشمن است که شهر را بمباران می‌کنه. سراسیمه شده بودم و نمی‌فهمیدم چرا در این وضعیت مهمانی گرفتن و انقدر ریلکس سیگار می‌کشند و به انفجارها نگاه می‌کنند. کسی در سرم داد می‌زد فرار کنید دخترا! الان وقت وقت مست کردن و سیگار کشیدن و رقصیدن نیست.

حالا من خیره به انفجارها در یک دستم سیر و سبزه‌ی هفت‌سین دارم و دست دیگرم در حال ور رفتن با وی‌پی‌ان که از صبح حتی دو دقیقه هم پایدار وصل نشده و به این فکر می‌کنم که بروم خانه، سفره‌ی هفت‌سینم را برای فردا بچینم و بعد پیاده تا خانه‌ی دوستم بروم تا کمی حرف بزنیم و با پس‌زمینه‌ی صدای انفجار شراب بنوشیم. من از کلافگی و ضعفام در مقابل مثلث جنون جمهوری اسلامی، آمریکا و اسرائیل بگویم و غر بزنم که چرا زورمان به این مجانین نمی‌رسد. بگویم که کاملاً مازوخیستیک دارم کتاب «یک روز دیگر از زندگی» کاپوشچینسکی را می‌خوانم و مثل سگ از اینکه جنگ گسترش پیدا کند یا جنگ داخلی شود ترسیده‌ام و دل‌پیچه گرفته‌ام و پیش‌درآمد کتاب را بخوانم آنجا که می‌گوید:

پروردگارا، با وجود دعا‌های بسیارمان به درگاه تو، داریم همین‌طور جنگ‌هایمان را می‌بازیم. فردا باز نبردی در پیش داریم که واقعا مهم است. با تمام توانی که داریم باز به یاری تو محتاجیم. برای همین می‌خواهم درخواستی کنم: نبرد فردا سوای بقیه است. جای بچه‌ها نیست. پس ناگزیرم استدعا کنم پسرت را به یاری‌مان نفرستی و خودت بیایی.

دعای کک، رهبر قبیله‌ی کریکاس

برگرفته از رادیوزمانه

**\*فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران خواستار رفع محدودیت‌ها برای دسترسی به اینترنت و آزادی روزنامه‌نگاران زندانی در ایران شد**

چهارشنبه 5 فروردین

با آغاز جنگ مشترک آمریکا و اسرائیل با ایران شاهد افزایش فشارها بر رسانه‌های مستقل و محدودیت طولانی مدت برای دسترسی به اینترنت در ایران هستیم و هفت روزنامه‌نگار همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران ضمن محکوم کردن تشدید تهدیدها و فشارهای نهادهای قضایی و امنیتی، خواستار آزادی فوری همه روزنامه‌نگاران زندانی است.

آنتونی بلانکر، دبیرکل فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، با اشاره به شرایط کنونی ایران گفت: «زندانی کردن روزنامه‌نگاران در دوره‌ای که تنش‌ها در اوج قرار دارد، مردم را از دسترسی به اطلاعات مستقل و معتبر محروم می‌کند و اصول بنیادین آزادی مطبوعات را نقض می‌کند.»

آقای بلانکر از مقام‌های ایران خواسته است فوراً همه فعالان رسانه‌ای بازداشت‌شده را آزاد کرده و به ارباب روزنامه‌نگاران پایان دهند.

پس از اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ و حملات نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران، فعالیت بسیاری از رسانه‌های مستقل متوقف یا به انتشار اخبار مورد تأیید مقام‌های رسمی محدود شده است.

همزمان، قطعی اینترنت که به چهارمین هفته خود رسیده، کار خبرنگاران را برای پوشش رویدادها دشوارتر کرده است.

همچنین فضای امنیتی حاکم، به بازداشت دست‌کم شش روزنامه‌نگار انجامیده است. برخی از این بازداشت‌ها پیش از آغاز درگیری‌های نظامی اخیر صورت گرفته، اما این امر، نشان‌دهنده تداوم فشار سیستماتیک بر فعالان رسانه‌ای در ایران است.

اسامی روزنامه‌نگارانی که همچنان در بازداشت هستند عبارت است از:

رضا ولی‌زاده، خبرنگار ایرانی-آمریکایی و همکار پیشین رادیو فردا، که در شهریور ۱۴۰۳ بازداشت شد.

محمد پارسی، سردبیر مجله «کندو»، که ۱۶ بهمن پس از احضار به دادسرای فرهنگ و رسانه بازداشت شد.

آرتین غضنفری، عکاس خبری، که ۹ ژانویه در مشهد بازداشت شد.

سمیه حیدری، خبرنگار مجله «یول» در تبریز، که ۲۳ بهمن بازداشت شد.

پدرام علمداری، سردبیر مجله «یول»، که ۱۲ فوریه بازداشت شد.

کیانوش درویشی، خبرنگار سابق انصاف نیوز، که ۲۸ بهمن بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شد.

مسلم زارعی، روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی، که ۲۵ اسفند در کرمانشاه بازداشت شد.

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران تاکنون درباره جزئیات این بازداشت‌ها توضیحی منتشر نکرده‌اند.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران تأکید می‌کند که ادامه بازداشت فعالان رسانه‌ای، خطر تشدید سانسور و خاموش شدن بیشتر صداهای مستقل را در پی خواهد داشت.

**\*تداوم بازداشت و بی‌خبری از سرنوشت بهاره گلچین، نوجوان ۱۷ ساله در مشهد**

با گذشت بیش از ۴۰ روز از بازداشت بهاره گلچین، نوجوان ۱۷ ساله ساکن مشهد، هیچ اطلاعی از سرنوشت و محل نگهداری وی در دست نیست و نهادهای حکومتی از پاسخگویی به خانواده ایشان خودداری می‌کنند.



بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری ههنگاو، بهاره گلچین، ۱۷ ساله و ساکن مشهد، در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ (۱۴ فوریه ۲۰۲۶)، توسط نیروهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده است.

به گفته منابع آگاه، بازداشت این نوجوان در حین پخش اعلامیه‌های مربوط به مراسم چهلم جان‌باختگان اعتراضات دی‌ماه صورت گرفته است.

با وجود پیگیری‌های مستمر خانواده گلچین از مراجع قضایی و امنیتی مشهد، تا زمان تنظیم این گزارش، اطلاع دقیقی از اتهامات مطروحه و محل دقیق بازداشت وی حاصل نشده است.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)